

عصر په‌ل‌وی

.....

نگاهی به موسیقی و ترانه

داریوش افراسیابی

حسین گل گلاب

حسین گل گلاب دارای قطعاتی چند است. که از زیباترین کارهای او سرود “ای ایران” می‌باشد، که آهنگ آن از ساخته‌های روح الله خالقی است و شعر و آهنگ از انسجامی زیبا برخوردارند. این سرود امروزه به عنوان سرودی ملی شناخته شده و برای تهییج شور ملی و همبستگی خوانده می‌شود:

ای ایران ای مرز پرگهر
ای خاکت سرچشمه‌ی هنر
دور از تو اندیشه بدان
پاینده مانی و جاودان
ای دشمن از تو سنگ خاره ای من آهنم
جان من فدای خاک پاک میهنم
مهر تو چون شد پیشه ام
دور از تو نیست اندیشه ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما
سنگ کوهت در و گوهر است
خاک دشتت بهتر از زر است
مهرت از دل کی برون کنم
برگو بی مهر تو چون کنم
ایران ای خرم بهشت من
روشن از تو سرنوشت من
گر آتش بارد به بیکرم
جز مهرت در دل نیروم
از آب و خاک و مهر تو سرشته شد گلم
مهر اگر برون رود گلی شود دلم

محمد علی امیر جاهد

او تنها هنرمندی است که بعد از عارف خود شعر و آهنگ را ساخت. اکثر سرودهای مدارس را امیر جاهد ساخته و ترانه‌هایش بیشتر در وصف میهن می‌باشد:

از ترانه‌های او ترانه‌ی «جمال زن» در (شور) می باشد:

مظهر صنع خدا جلوه گر اینجاست
کارگه مهر و مه و بحر و بر اینجاست
محور گردش هر زیر و بر اینجاست
آنچه تو نیکو نگری اینجاست
روی زن چون آینه عشق
نظر گه هر نیکو گهر اینجاست
زن زمام علم چو برگرفت اینچنین بیار است
در جهان عالم چون بنگری حسن زن هویدست
گر تو گویی که آدم بوجود آمد از گل
چون توان یکه از گل بنهی عشق در دل
زن چو دارد دل ز نور خداوندی روشن
روشنی بخش دل ها بود این شمع
چشم دل بگشا تا که جان بینی
آنچه را که چون جان طلبی آنچنان بینی
در کمال زن ها نه همین ناز و دلربائی
نی هوای نفسانی و این وصلت و جدایی است
در جمال آن زن به بین جلوه آدمیت
زن منادی آفرینش و قدرت کهربایی
چهچه بلبلان سحر در هر گلزار
قهقهه و کبک دری در هر کهسار
جنبش خاتمان بشری در هر بندار
جمله را چون نیکو نگری زن باشد یار
با چنین یار خوش اندیشه و دلدار
باغ امید دهد لاله بسیار
تا شود از بویشان جهان رشک گلستان
ور نه چو جاهد حذر کن از گلبن بی یار

رهی معیری

چهره‌ای شناخته شده در ترانه سرائی است و نزدیک به چهل سال به کار ترانه سرائی پرداخت. او دارای بیانی زیبا و پراحساس است و تلفیق شعر و آهنگ را به خوبی می‌داند. ترانه‌های او تغزلی و عاشقانه و گرایش به طبیعت دارند و با آنکه سخنی تازه در ترانه‌هایش بازگو نکرده و تکرار مضامین کهن است اما گفتار او به دل می‌نشیند، بی آنکه توجه را به کهن سرائی مضمون‌ها جلب کند.

از ترانه‌های رهی معیری «من از روز ازل» آهنگساز مرتضی محجوبی و خواننده بنان:

من از روز ازل دیوانه بودم
دیوانه روی تو سرگشته کوی تو
سر خوش از باده‌ی مستانه بودم
در عشق و مستی افسانه بودم
نالان از تو شد چنگ و عود من
تار موی تو تار و پود من
بی باده مدهشم ساغر نوشم
ز چشمه نوش تو
مستی دهد ما را گل رخسارا
بهار آغوش تو
چو بما نگری غم دل ببری
کز باده نوشین تری
سوزم همچو گل از سودای دل
دل رسوای تو من رسوای دل
گر چه بنخاک و خون کشیدی مرا

روزی که دیدی مرا

صبح امیدي مرا

عشق و فراق و اسیر نگاه معشوق بودن در اکثر ترانه‌های رهی جای ویژه خود را دارد و به توصیف آن‌ها پرداخته است.

ترانه‌های این دوره بازتاب ادبیات کلاسیک ایران است و با خود شکلی تازه را به همراه ندارند. بعد از عارف که خود شاعر و آهنگساز بود؛ دیگر هنرمندان از عهده این دور رشته توأمأ برنمی‌آمدند.لذا این عمل تفکیک شد و آهنگ در ابتدا به وسیله آهنگساز ساخته شد و چون شاعر ناگزیر بود بر مبنای نغمه.کلمات را بگنجاند. به تدریج ترانه از اوزان عروضی دور شد و تبدیل به اشعار هجائی گردید و از تکرار اضافی لغات در پایان مصرع‌ها نیز بدین صورت کاسته شد.

ساختن آهنگ بر روی شعر نیز یکی دیگر از شیوه‌هایی است که می‌توان به کار گرفت. شاعر در این مورد، امکان بیشتری از نظر بیانی و انسجام اندیشه شعری دارد. از سویی دگرگونی در شعر نوین فارسی و پیدایش سبک جدید و دوری گزیدن از سرودن شعر به سبک قدما خود عاملی بود که تصاویر ذهنی شاعران را به سوی نوگرانی و نوجوئی واداشت. طبیعی است که در این عرصه موسیقی دانان نیز همراه این تحول بوده و در ساختن آهنگ با یاری شاعران نوپرداز آن زمان همگام شده و به تدریج شعر دور از تشریفات ادبی به سادگی گرایش پیدا کرده و بی پیرایه سروده شد و این شیوه سرودن جایگزین اشعار کلاسیک گردید. درک آهنگساز نیز از مفهوم شعر بسیار مهم می‌باشد، چه اگر مضمون شعر محزون باشد و آهنگساز با نغمه‌ای (ملودی) شاد به ساختن آهنگ بپردازد و یا بالعکس اگر شعر دارای کیفیتی مفرح باشد و آهنگساز با نغمه‌ای غمگین موسیقی را آغاز کند که به دفعات این برداشت نامتجانس در ترانه‌های ایرانی دیده شده و عدم شناخت آهنگساز یا شاعر را بیان می‌سازد، شنونده را سرگردان و دچار تناقض ساخته و با دو حالت متفاوت حسی روبرو می‌گرداند. ارزش ادبی شعر نیز از ویژگی‌هایی است که باید بدان توجه شود، که متأسفانه به علت این که فقط کاری عرضه شده باشد، کمتر بدان بها داده شده و از این دست ترانه‌ها بدون شک همگان بسیار شنیده‌اند، که اندیشه‌ای مبتدل و با بیانی ضعیف و نامفهوم داشته‌اند.

در این زمان تنی چند یا به عرصه موسیقی گذاردند که جانی تازه به کالبد نیمه جان موسیقی ایرانی دمیدند و باعث تحول و دگرگونی در زمینه این هنر گشتند و در مکتب آنان هنرمندانی در خور نیز پرورش یافتند.

موسیقی دانان

علی نقی وزیری

یکی از دستاوردهای موسیقی معاصر ایران که اندیشه هنری آن را شکلی تازه بخشید و به نوجویی و هنر پیشرو معتقد بود «علی نقی وزیری» می‌باشد.

او با نحوه برخوردهای روزمره و سطحی جامعه در مورد موسیقی، تا جائی که توان داشت مقابله نمود. نقش اساسی او در پیشبرد هنر موسیقی با استفاده از خط موسیقی و آموزش اصول علمی آن، بسیار حائز اهمیت و به گونه‌ای نسل هنرمندان پس از وی وارثان موسیقی او هستند.

وزیری با عوامل بازدارنده‌ی چند جانبه‌ای روبرو بود، نخست با ساختار جامعه‌ای که جایگاه ویژه‌ای برای موسیقی قائل نبود و عمده نیروی او را مصروف بهبود و تغییر این اندیشه ساخت. شیفته با عشقی زیبا به موسیقی، تصمیم به احیا این هنر فراموش شده‌ی ایران زمین گرفت، و هنر موسیقی چنان مقام ارجمندی برای وی داشت که زندگانی خود را وقف آن نمود. اندیشه و قلم خود را در خدمت موسیقی به کار گرفت و روح تازه‌ای به جای اندیشه‌ی روضه خوان‌ها و تعزیه خوانها و نوحه سرایان که تجلیگاه موسیقی سنتی بود دمید.

وزیری وارث هنری بود که طی قرنهای متوالی راهی ناهموار را پیموده، و در دست مطربانی قرار گرفته بود که کمتر دارای اندیشه‌ای پویا و نیز در میان جامعه‌ای رشد یافته بود که احساس و اسلوب اندیشه آنان بدور از بینش هنری و همچنین زیر یوغ حاکمیت بی چون و چرای مذهبی دست و پای می‌زده است.

زمینه رشد هنری ناچیز و پشتوانه فرهنگی آن نیز فاقد سیر منطقی و درست بود، موسیقی جدی نیز در فرهنگ کشور ما جایی نداشت و بیگانگی جامعه با این هنر نکته اساسی‌ای بود که باعث شد وزیری در آغاز کار، خود را بیش از پیش مصمم و جدی مطرح کند، تا جایی که در مجلس بزمی که توسط ارباب کیخسرو، از رجال آن زمان که به تاسیس کلوب موزیکال او کمک و مساعدت‌های زیادی کرده بود، از نواختن ساز خودداری می‌ورزد، و به ارباب کیخسرو گران می‌آید و حمایت‌های بعدی خود را از وزیری دریغ می‌نماید.

وزیری می‌گوید: «من کلویی را تاسیس کرده‌ام که همه می‌توانند با پرداخت دو تومان عضو آن شوند و می‌توانند در این کلوب نوای ارکستر و ساز من را بشنوید، دیگر چه ضرورتی دارد که مردم با تحمل مخارج هنگفتی، مجلس خصوصی تشکیل دهند و مرا برای نواختن ساز دعوت کنند.»

باید این حرکت زمانی انجام می‌شد و خواص می‌فهمیدند که موسیقی فقط برای مجالس عیش و نوش بکار نمی‌آید. اوتعمدا از نواختن ساز خودداری می‌کند تا بقیه نیز حساب کار دستشان بیاید و او را برای نوازندگی به مجالس خود دعوت نکنند.

در کشوری که بعضی از اوقات مطربها از اطاق کناری به اجرای موسیقی می‌پرداختند و اگر موسیقیدانان اسم و رسمی داشت و دعوت به مجلس می‌شد پائین مجلس به نواختن ساز می‌پرداخت، برای اولین مرتبه بود که هنرمندی از شیوه متداول مطرب‌ها سرپیچی می‌کرد و برای خود دشواری ایجاد می‌نمود.

ضرورت تغییر موقعیت موسیقیدانان در اجتماع، مسئله‌ای بود که ذهن حساس او را به خود مشغول کرده بود و به دنبال چاره جوئی و شاید تثبیت موقعیت خود، این توهم را ایجاد می‌کرد که او شخصی متکبر و خودخواه است. آگاهی او به دشواری راهش، و کوشش او برای آموزش به دوستداران موسیقی و تشکیل مدرسه موسیقی، و تلاش برای همگانی کردن و پیشرفت این هنر، هدفی بود که سعی بر آن داشت تا موسیقی را از مکانی که دارا بود، بالاتر ببرد و شناختی دیگر از این هنر را عرضه بدارد.

علی نقی وزیری در سال ۱۲۶۶ در تهران در خانواده‌ای اهل ذوق وهنر بدنیا آمد. نام پدرش موسی و افسر ارتش بود و در ماموریتی که به استرآباد یافت، علی نقی چهارده ساله را با خود به سفر برد، در چند ماهی که پدر در ماموریت نظامی و در اردو به سر می‌برد، علی نقی نیز، نواختن شیبیور را فرا گرفت و فرامین نظامی را در مورد مراسم به خوبی اجرا می‌کرد و در بازگشت شیبیورچی قابلی شده بود.

تعلیمات ابتدایی موسیقی را از دائی خود، حسینقلی خان بر روی تار فرا گرفت و پس از چندی از معلم خود پیشی گرفت و در سن نوزده سالگی در نواختن تار تسلط کافی پیدا کرد.

وزیری در جوانی وارد مدرسه قزاق می‌شود و پس از چندی جزء صاحب منصبان قزاق می‌گردد.

...ادامه دارد

www.DAFRASIABI.com